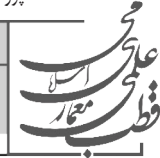


بررسی گونه‌شناسی معماری بومی جهت دستیابی به اصول طراحی بناهای مسکونی در محله ماشه، جزیره کیش*



مهدی محمدزاده**

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

هیرو فرکیش***

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۹

چکیده

با توجه به روند ساخت‌وساز و ظهور فناوری‌های نوین در صنعت ساختمان استفاده از الگوهای معماری بومی در بناهای امروز کمتر دیده می‌شود. این در حالی است که نیاز به شناخت ویژگی‌های معماری بومی جهت باززنده‌سازی و حفظ هویت دارای اهمیت بسیاری است. زنده‌سازی بناهای بومی یک منطقه نیازمند شناخت، تحلیل، ارائه الگوی مناسب یک منطقه، بافت محلات و گونه‌های ساختمانی آن می‌باشد. از اهداف عمده در این پژوهش بازشناخت معماری بناها، الگوی بافت بومی و سنتی در حال تخریب محله ماشه از جزیره کیش به جهت احیای هویت بومی منطقه می‌باشد. این پژوهش ابتدا با نگاهی توصیفی تحلیلی، مروری بر مباحث کلیدی مطرح و مرتبط با معماری بومی، بافت شهری و گونه‌شناسی در معماری دارد. سپس ضمن تحلیل و تشریح، از روش تحقیق مورد پژوهی جهت شناخت و ارزیابی محله ماشه بهره گرفته شده است. در نهایت با توجه به یافته‌ها و نتایج به دست آمده از تحلیل کالبدی و مطالعات گونه‌شناسی خانه‌های بومی، موثرترین فاکتورهای بومی این محله شناسایی شد. فاکتورهای کالبدی موثر شامل شبکه معابر، نظام توده و فضا، دانه‌بندی و قطعه‌بندی، سازماندهی فضایی، ارتفاع و هندسه بودند. نتایج تحقیق بر اساس گونه‌شناسی، بافت محله ماشه را در چهار دسته کلی مورد بررسی قرار داده است که می‌تواند توسط معماران و شهرسازان در ساخت‌وسازهای مبتنی بر هویت بومی منطقه مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گونه‌شناسی، معماری بومی، راهکار طراحی، محله ماشه، جزیره کیش.

* این پژوهش مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری تحت عنوان «مجموعه اقامتی رفاهی فرهنگیان با رویکرد معماری بومی در جزیره کیش» به راهنمایی خانم دکتر هیرو فرکیش در گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، در شهریور ماه ۹۷ دفاع گردید.



۱. مقدمه

از ویژگی‌های بارز نظام سکونتگاهی بومی جزیره کیش، همچون بسیاری دیگر از جزایر خلیج فارس، یکپارچگی مجموعه اجزای آن، یعنی آبادی‌های کوچک و بزرگ آن است که تا گذشته‌های نه‌چندان دور، مجموعه‌ای زیستی-عملکردی را تشکیل می‌دادند که اگر هر یک از این اجزا ساختار و کارکردهای متفاوتی داشتند؛ اما در نهایت کلیتی همساز برپا داشته بودند که پراکنش فضایی آنها در هم‌نوایی قابل توجه با توضیح مکانی منابع و امکانات طبیعی-معیشتی شکل گرفته بود (سعیدی ۱۳۸۱، ۱۲). با توجه به ارتباط عمیق معماری با فرهنگ یک منطقه، معماری بومی هر منطقه میراث و گنجینه‌ای ارزشمند برای شناخت و هویت آن منطقه محسوب می‌شود که بی‌توجهی به آن باعث از بین رفتن فرصت‌های فرهنگی، تاریخی و گردشگری آن منطقه می‌شود. در این میان «جزیره کیش» به‌عنوان یکی از جزایر تاریخی و گردشگری ایران مطرح می‌باشد که تعداد اندکی از بناهای بارزش معماری، در بافت‌های بومی و تاریخی آن به جا مانده است. هدف از این مطالعه بررسی گونه‌شناسی بافت تاریخی از بین رفته محله ماشه^۱ به جهت شناخت الگوها و بافت بومی می‌باشد. در مطالعات صورت گرفته پیرامون بافت تاریخی، شهرهای جنوبی ایران به دلیل نبود اطلاعات مدون کمتر مورد کاوش قرار گرفته‌اند. این نخستین پژوهشی است که با رویکرد تحلیلی هویت کالبدی بافت تاریخی محله ماشه (به‌عنوان یکی از محلات ارزشمند تاریخی جزیره کیش) را مورد بررسی قرار داده است. در وضعیت فعلی که بافت تاریخی محله ماشه در طی دوران تخریب شده است؛ بازخوانی عناصر سازنده بافت شهری آن، ضمن مستندسازی کالبدی بافت به حفظ هویت و به کارگیری الگوهای رایج بافت بومی در ساخت‌وسازهای اخیر جزیره کیش منجر می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

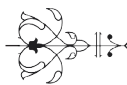
۲-۱. تعریف گونه و پیشینه گونه‌شناسی

گونه‌شناسی عبارت است از دسته‌بندی نمونه‌های (طرح‌های محیط و منظر، ساختمان‌ها و طرح‌های شهری) بر طبق مقاصد مشترک یا ساختار و فرم (لنگ ۱۳۸۳، ۷۰). گونه‌شناسی تلاشی است برای قرار دادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه‌ای

منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی (راپپورت^۲ ۱۹۹۰، ۹۶). کار اصلی در گونه‌شناسی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس معیارهای مشترک است. این معیار مشترک گاه می‌تواند عملکرد فضای معماری و گاه ویژگی‌های شکلی را شامل شود. اگر چه صرف وجود اشتراکات در پدیده‌ها و به طور اخص در طرح‌های معماری دال بر تبعیت آنها از الگویی مشخص نیست؛ اما طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس گونه‌ها می‌تواند به شناسایی الگوها نیز کمک کند (سلطانی و دیگران ۱۳۹۱، ۶). توجه به گونه‌شناسی در نوشته‌های قدیمی از حدود دو هزار سال پیش در آثار نویسندگان معمار و دیگر دانشمندان دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به گروه‌بندی گونه‌های مختلف بناهای سنتی یونان توسط ویتروویوس اشاره نمود. شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم از دیرباز تا کنون، بیانگر اهمیت به سزای آن است. از اواسط قرن هجدهم در معماری و باستان‌شناسی از گونه‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای شناخت و دسته‌بندی بهره گرفته است. حدود ۲۵۰ سال است که گونه‌شناسی در حوزه علوم مطرح شده است. گونه و گونه‌شناسی موضوعی با گستره جهانی است. بسیاری از محققین مانند آلدو رسی، آرگان، ایمونینو، کرایر به آن پرداخته‌اند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی موضوع گونه‌شناسی در دانشگاه‌های هاروارد، ام آی تی و بیرمنگام به بحث گذاشته شد و محصول آن ده‌ها مقاله بود (معماریان و طبرسا ۱۳۹۲، ۱۰۴-۱۰۶).

سرآغاز گونه‌شناسی در ایران را نیز می‌توان در اقدامات غیاث‌الدین کاشانی دانست. او از معدود ریاضی‌دانانی هست که در کتاب مفتاح‌الحساب خود بخشی را به محاسبات هندسی و تدوین جداول محاسباتی در این زمینه اختصاص داد (روشنایی ۱۳۹۱). گونه‌شناسی یا «نمون‌شناسی» بخشی از این مطالعات را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه انتظار نمی‌رود تمرکز جغرافی‌دانان بر روی موضوعات معماری عمیق باشد؛ معمولاً گونه‌شناسی توصیف ساده‌ای از ویژگی‌های یک بنا را شامل می‌شود (همایون ۱۳۵۶، ۲۱۱-۱۵۵).





معماری و جغرافیای شهری به لحاظ زمانی یا پشتوانه فکری و فلسفی مطابقت ندارند؛ به ویژه به این دلیل که این مکتب‌ها از سوی متخصصین رشته‌های مختلف مطرح شده‌اند (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۳).

۲-۳-۱. مکتب بریتانیایی

پیروان این مکتب معتقدند که مطالعه منظر شهری مبنای تئوری فرآیند ساخت شهر را تشکیل می‌دهد و علاوه بر آنکه تاریخ توسعه‌ی شهری را توضیح می‌دهد؛ برنامه‌ریزی‌های آتی را نیز هدایت می‌کند و دانش جدیدی به نام مدیریت منظر شهری را به وجود می‌آورد. در این مکتب تمرکز کانزن بر روی پژوهش به قصد توصیف تحلیل و توضیح شکل‌گیری فرم شهر است (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۴؛ به نقل از مودون ۱۹۹۸، ۱۴۵-۲۹۶). تحقیق و تجربه‌ی کانزن عمدتاً بر خوانش و تفسیر «نقشه‌ی شهر» متمرکز است. به عبارت ساده‌تر، کانزن روش «تحلیل نقشه شهر» را شامل بررسی سه عنصر خیابان، قطعه زمین و خود ساختمان می‌داند که مانند قطعات یک جورچین درهم چفت شده‌اند (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۴). مکتب بریتانیایی با توجه به حوزه‌های تدقیق شده مطالعه با فرآیندی مشخص به مطالعات مورفولوژی شهری می‌پردازد و به‌طور همزمان به وضع موجود و فرآیندهای تغییر آن توجه دارد (محملی ایبانه ۱۳۹۰، ۱۶۲).

۲-۳-۲. مکتب ایتالیایی

در سال‌های ۱۹۵۰ به بعد در ایتالیا مطالعات تیمومورفولوژی یک توسط ساوه ریو موراتوری (۱۹۱۰-۱۹۷۳ م.) آغاز شد. موراتوری به شدت از تأثیرات معماری مدرن بر سکونتگاه‌ها و شهرهای موجود ناخشنود بود. او و پیرو اصلی‌اش، جیانفرانکو کانیکا بود. روش تحلیل آنها بر اساس دسته‌بندی بناها و فضاهای باز مربوط به آنها بود؛ از وضعیت اولیه آنها گرفته تا دگرگونی‌های بعدی آنها در طول زمان (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۷).

از نظر موراتوری ساختار شهرها تنها از روی سیر تاریخی و با مینا قراردادن گونه‌شناسی بناها برای تحلیل‌های شهری قابل درک است. فرم و ساختار شهرها برآیند عقاید، ترجیحات، حرکات و اعمال متعددی است که در قالب ساختمان‌های مفروض و فضاهای پیرامونشان (باغچه‌ها، خیابان‌ها و غیره) متجلی شده‌اند. این ساختمان‌ها و

۲-۲. تعریف و پیشینه ریخت‌شناسی

مطالعات گونه-ریخت‌شناسانه، ساختار فیزیکی و فضایی شهرها را آشکار می‌سازند. این مطالعات هم‌گونه‌شناسانه هستند و هم ریخت‌شناسانه؛ چرا که فرم شهری را بر اساس طبقه‌بندی تفصیلی ساختمان‌ها و فضاهای باز با توجه به گونه‌ها توضیح می‌دهند.

گونه-ریخت‌شناسی را می‌توان به‌صورت «مطالعه و بررسی فرم شهرها براساس مطالعه گونه‌های فضا و بنا» تعریف نمود (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۴؛ به نقل از (مودون^۳ ۱۹۹۴، ۲۸۹). مورفولوژی شهری به‌عنوان یکی از شاخه‌های قدیمی تحلیل ساختار فیزیکی در محیط شهری است که تنظیمی میان‌رشته‌ای برای تحقیق در طراحی شهری، معماری، برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی شهری، باستان‌شناسی و تاریخ شهر بوده و عناصر اصلی آن ساختمان‌ها، خیابان‌ها، باغ‌ها، پارک‌ها و بناهای تاریخی می‌باشد (عظیمی^۴ ۲۰۰۵). علی‌رغم قدمت موضوع شکل‌شناسی پژوهش‌های معدودی در این زمینه صورت پذیرفته است. در تحقیقی برای ریخت‌شناسی بلوک‌های شهری توسط «رادبرگ» شاخص‌های سطح اشغال زمین، نسبت سطح زیربنا به سطح زمین و ارتفاع ساختمان را به‌عنوان متغیرهای اصلی مورد استفاده قرار داد. همچنین محققان هلندی نیز چهار شاخص تراکم ساختمانی، سطح اشغال، نسبت فضای باز، و شاخص تعداد طبقات را در نظر گرفته و با ارائه نمودارهایی از روابط ریاضی میان آنها بافت موجود شهر را طبقه‌بندی نموده‌اند (ذاکر حقیقی ۱۳۸۹).

۲-۳. بررسی مکاتب مورفولوژی شهری

مطالعات بسیاری در خصوص مورفولوژی (ریخت‌شناسی) شهری انجام گردیده است که در یک طبقه‌بندی که توسط «آنا ورنر مدون» صورت گرفته به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم شده‌اند (محملی ایبانه ۱۳۹۰، ۱۶۱؛ به نقل از مودون ۱۹۹۷، ۳). این تقسیم‌بندی از این جهت واجد اهمیت است که نوشتن در خصوص مورفولوژی شهری در زمینه جغرافیایی رشته‌هایی نظیر معماری و طراحی شهری بدون ارجاع به مکاتب خاصی که در ارتباط با شیوه‌های گوناگون مطالعات هستند؛ غیرممکن است (محملی ایبانه ۱۳۹۰، ۱۶۱؛ به نقل از بکرینگ^۵ ۲۰۰۶، ۱۰۰). مورفولوژی شهری دارای سه مکتب اصلی است که البته لزوماً با مکاتب شهرسازی،



مکتب فرانسوی و مکتب ایتالیایی، تفاوت‌هایی میان این دو مکتب وجود دارد که می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود که اولاً مکتب فرانسوی، بر خلاف مکتب ایتالیایی، به دلیل بررسی مدل‌ها و نظریه‌های مختلف، تفکیکی میان «قبل» و «بعد» قائل نیست؛ بلکه به بررسی تاثیر یک ایده در الگوها، گونه‌ها و فرم‌ها در امتداد یکدیگر توجه می‌کند. ثانیاً، به عکس مکتب ایتالیایی که بیشتر بر گونه‌های ساختمانی متمرکز است؛ نگاه فرانسوی‌ها بیشتر به الگو و نسج شهری معطوف است (محملی ایبانه ۱۳۹۰، ۱۶۱؛ به نقل از بکرینگ ۲۰۰۶، ۱۰۴).

۴-۲. گونه‌شناسی پژوهش

هریک از مکاتب بریتانیایی، فرانسوی و ایتالیایی پیرو رویکرد مشخصی در گونه‌شناسی بافت و توصیف و تحلیل چگونگی شکل‌گیری فرم شهر می‌باشند. بررسی‌ها میان سه مکتب ذکر شده نشان دهنده تفاوت‌های مشخصی در مباحث تئوری ارائه شده و رویکرد هر یک می‌باشد که در جدول ۱ به صورت خلاصه اشاره گردیده است.

جدول ۱. جمع‌بندی مکاتب گونه‌شناسی (مأخذ: نگارندگان)

نام مکتب	زمان	توضیحات
مکتب بریتانیایی (کانزن)	حال	تحلیل نقشه شهر از طریق خیابان، قطعه زمین و ساختمان
مکتب ایتالیایی (موراتوری)	گذشته	گونه‌شناسی سیر تاریخی بافت از طریق گونه‌شناسی بناها رجوع به بافت تاریخی شهرهای سنتی
مکتب فرانسوی (مدرسه بوزار)	فارغ از زمان قبل و بعد	تاکید بر نظریه‌های شکل‌دهنده فرم شهر توجه به الگو و نسج شهری

است. دستیابی به ارزش‌های گونه‌شناسانه از اهداف اصلی مطالعات مدرسه موراتوری است. مراحل مختلف روش گونه‌شناسی موراتوری را می‌توان در سه مرحله معرفی نمود.

۱) انتخاب مکان: مکان مورد مطالعه از وجوه مختلف از دیدگاه موراتوری‌ها اهمیت دارد. مکان جایی است که انسان سازنده، از طبیعت آن درس می‌گیرد. وظیفه معمار کنونی این است که با رجوع به این مکان خاص ارزش‌های گونه‌شناسانه را بخواند.

۲) انتخاب مقیاس گونه‌شناسی: مکان انتخابی گستره‌ای از

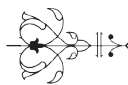
فضاها را که به آن منظر مصنوع گفته می‌شود؛ می‌توان در قالب گونه‌هایی طبقه‌بندی کرد که چکیده‌ی شخصیت هر کدام است. این گونه‌های متفاوت، گونه‌شناسی بناها و فضاهای بازشان را می‌سازند که به نوبه‌ی خود ماهیت بافت شهری را تعریف می‌کند (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۳؛ به نقل از مودون ۱۹۹۴، ۲۹۰). شروع این نگاه منجر به رجوع دوباره به بافت تاریخی شهرهای سنتی گردید و به‌عنوان مبنایی برای طراحی‌های آینده مطرح شد.

۳-۳-۲. مکتب فرانسوی

پس از آن که کانزن و موراتوری دو مکتب اولیه مورفولوژی شهری را بنیانگذاری کردند؛ مکتب سوم نیز در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در فرانسه پی‌ریزی شد. فلیپه پانه رای و ژان کاستکس معمار به همراه ژان شارل دپُل جامعه شناس، مدرسه معماری ورسای را به موازات انحلال مدرسه «بوزار» فرانسه تاسیس نمودند (پورمحمدی و دیگران ۱۳۹۰، ۹؛ به نقل از مودون ۱۹۹۷، ۵). مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسه را می‌توان در توجه به نظریه‌های شکل‌دهنده‌ی فرم شهر تعریف نمود (محملی ایبانه ۱۳۹۰، ۱۶۲؛ به نقل از پانرایسی و دیگران ۲۰۰۴). با وجود شباهت‌هایی میان

در میان مکاتب ذکر شده، تنها مکتب ایتالیایی (موراتوری) بر گونه‌شناسی بافت تاریخی شهرها به دلیل نارضایتی از تاثیر معماری مدرن بر سکونتگاه‌ها و با هدف رجوع به بافت تاریخی شهرهای سنتی، تاکید داشته است. از آنجاییکه پژوهش حاضر به دنبال یافتن گامی موثر در جهت احیای الگوهای گونه‌شناسی بافت تاریخی محله ماشه با رویکردی تاریخی می‌باشد؛ و از سوی دیگر با توجه به تخریب محله ماشه در شرایط کنونی و نیاز به رجوع به بافت تاریخی این محله با استفاده از اسناد موجود، از رویکرد مکتب ایتالیایی (موراتوری) استفاده شده





بنای عمومی، مسیرها و میدانی. مقیاس سوم بافت شهری و روستایی است. بافت بخشی از بدنه شهری و آبادی را شکل می‌دهد که با تکرار آنها کل شهر و آبادی شکل می‌گیرند. مقیاس چهارم کوچکترین مقیاس معماری یا بنا است (جدول ۲).

یک بنا تا یک منطقه را دربرمی‌گیرد. بزرگترین مقیاس محیط طبیعی و عناصر دربرگیرنده آن است. مقیاس در اینجا به معنی دخالت انسان در طبیعت اطراف خود است. این مقیاس در مدرسه موراتوری‌ها به مقیاس منطقه‌ای خوانده می‌شود. مقیاس دوم شهر و آبادی است؛ شامل خانه‌ها،

جدول ۲. انتخاب مقیاس گونه‌شناسی

(تقسیمات چهارگانه در چهار مقیاس با توجه به نگرش مدرسه موراتوری)

(مأخذ: نگارندگان با استفاده از مرجع معماریان ۱۳۸۴، ۲۰۴)

ردیف	مقیاس	عناصر منطقه‌ای	سیستم عناصر	ارگانیزم سیستم‌ها	ارگانیزم مشخص
۱	مقیاس منطقه	آبادی‌ها	بافت سرزمینی	طرح‌واره مسیرها	تیپ یا گونه منطقه‌ای
۲	مقیاس شهری	واحدهای شهری	بافت شهری	طرح منطقه‌ای	تیپ یا گونه شهری
۳	مقیاس بافت	گونه‌های ساختمانی	بافت قطعات	واحدهای همسایگی	تیپ یا گونه بافت
۴	مقیاس معماری	ساختمایه یا مصالح	سازه	طرح توزیعی فضاها	تیپ یا گونه معماری

در مناطق گرم و مرطوب به دلیل شدت زیاد تابش آفتاب در سمت شرق و غرب، فرم ساختمان باید کشیده باشد و به شکل مکعب مستطیل در امتداد محور شرقی-غربی در آید. این فرم از نظر ایجاد کوران در داخل ساختمان و کاهش رطوبت هوای داخلی نیز بسیار مناسب است (کسمایی ۱۳۸۲، ۱۲۴).

در سکونت‌گاه‌های بومی کیش، فضاهای مختلف پیرامون حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند و نمی‌توان به جهت خاصی برای برقراری ساختمان اشاره کرد. خانه‌های ساخته شده در دو بخش زمستانه و تابستانه تشکیل شده است که بخش تابستانه به سمت دریا بوده و بخش زمستانه در مقابل آن قرار گرفته است (مختاپور و عبدالله پور ۱۳۸۸، ۱۲۷-۱۲۰). به دلیل فراوانی باد قوس^۷، اولویت در ایجاد بازشوها برای برخورداری از بادهای مفید، جهت‌های شرق و غرب است که علاوه بر این، از گذشته‌های دور، نسیم دریا در جهت‌گیری ساختمان در کیش نقش موثری داشته است. بدین صورت که ساختمان‌ها در جهت استفاده بهینه از نسیم دریا برای خنک‌سازی بنا شده‌اند. بنابراین، نسیم دریا بیشتر از هر عمل دیگری در جهت‌گیری ساختمان لحاظ شده است. حتی جهت‌گیری ساختمان‌های سنتی با قدمت ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال که در شهر باستانی حریره کشف شده‌اند؛ نشان‌دهنده اهمیت استفاده از انرژی باد در تامین شرایط آسایش است (اسپنانی ۱۳۷۹، ۵۱). بررسی‌های

(۳) روند گونه‌شناسی: هدف از روند گونه‌شناسی، بازسازی این زنجیر است که در واقع بخش‌هایی از ضمیر ناخودآگاه معمار گذشته بوده است. روند گونه‌شناسی با موضوعی بنام رده‌بندی بنا آغاز می‌گردد (معماریان ۱۳۸۴، ۲۰۲-۲۱۰).

۳. مبانی نظری

۳-۱. مورفولوژی و شناخت معماری بومی جزیره کیش

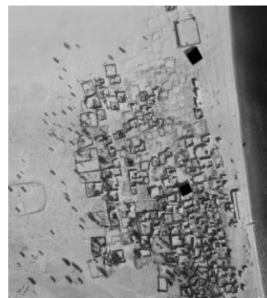
معماری بومی مناطق جنوب کشور از دو فاکتور مهم اقلیمی، یعنی تابش خورشید و وزش باد، تاثیر پذیرفته است. به همین سبب، ساختار بناها در این مناطق در جهت حداقل ورود نور به داخل خانه و استفاده بهینه از جریان هوا در جهت خنک‌سازی ساختمان بوده است. شکل ساختمان در هماهنگی ساختن ساختمان با شرایط اقلیمی و تعدیل انتقال شرایط بحرانی هوای خارج به داخل ساختمان می‌تواند تاثیر زیادی داشته باشد. برای پی بردن به نقش شرایط حیاتی هر منطقه (دمای هوا و شدت تابش آفتاب) در شکل‌گیری ساختمان‌های هر منطقه باید نسبت اهمیت هر یک از این عوامل را مشخص کرد. البته به طور کلی، سردی هوا باعث فشردگی فرم ساختمان و شدت زیاد تابش آفتاب باعث کشیدگی آن در جهت محور شرقی-غربی می‌شود (کسمایی ۱۳۸۲، ۱۱۶).





الگوهای متداول توده‌گذاری در این بافت با چرخش بسیار کم، به‌صورت تک‌جبهه، دوجبهه و سه‌جبهه می‌باشند. بافت بومی این محله که عمدتاً بدون طرح قبلی ایجاد شده‌اند؛ و با توجه به شرایط اقلیمی عمدتاً از ساختاری نامنظم، ارگانیک و نیمه‌مترکم برخوردار بوده است. از نظر دانه‌بندی بلوک‌ها، ادغام عناصر شهری و شیوه استقرار آنها ناشی از شرایط اقلیمی می‌باشد. حیاط و فضای باز برای بومیان ماشه با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگی آنها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده که با توجه به نیازهای هر خانواده بومی عملکرد و ابعاد هر حیاط متفاوت بوده است. در اکثریت بناهای بومی محله ماشه سازماندهی خطی در نحوه توده‌گذاری بسیار به چشم می‌آید. ارتفاع بناها با توجه به شرایط اقلیمی و امکانات محدود در محل ارتفاع چندانی نداشته و بناهای بومی به‌صورت طبقه همکف بر روی سکوی کوتاه بنا می‌شده است و هندسه اکثریت توده‌ها به شکل مکعب مستطیل می‌باشد.

بررسی گونه‌شناسی موراتوری نشان می‌دهد که با توجه به مقیاس فضا، چهار دسته‌بندی کلی در گونه‌شناسی وجود دارد. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر بررسی بافت محله ماشه مورد نظر می‌باشد؛ از عناصر مطرح شده در مقیاس بافت گونه‌شناسی موراتوری به منظور تفکیک عناصر گونه‌شناسی بافت استفاده شده که در جدول ۳ با ویژگی‌های بافت بومی محله ماشه ترکیب شده است.



تصویر ۱ (راست): بالا مسجد جامع ماشه و تصویر پایین مسجد حضرت امیر (مأخذ: نگارندگان)

تصویر ۲ (چپ): موقعیت قرارگیری دو مسجد در عکس هوایی: بلوک مشکی بالا مسجد جامع ماشه و بلوک مشکی پایین مسجد حضرت امیر (مأخذ: سازمان منطقه آزاد کیش)

معماری بومی کیش بر تکیه به امکانات محیط زیست و مصالح قابل دسترس شکل گرفته است. گونه‌های متفاوتی از بناهای مسکونی، مذهبی، کاخ (عمارت اعیانی)، بندرگاه، بازار، مدرسه، آب انبار، برکه و... را شامل می‌شود؛ اما آثار باقی‌مانده بیشتر از بناهای مسکونی و مذهبی می‌باشد. در محله ماشه فقط دو بنای تاریخی مذهبی از ماشه قدیم باقی مانده است (تصویر ۱ و ۲). معماران بومی با تمهیداتی نظیر تعیین جهت قرارگیری ساختمان، تعیین اندازه‌های سطوح بازشو، انتخاب مصالح و ابعاد مناسب سازه، محافظت محوطه داخل اتاق‌ها از تابش مستقیم، استفاده از مصالح با رنگ‌های روشن در نمای ساختمان و ایجاد سایه، دمای هوا را در ساختمان کاهش می‌دادند. فضاهای تشکیل‌دهنده خانه‌های بومی کیش را می‌توان به لحاظ عملکردی، به سه بخش فضاهای سکونت‌مانند اتاق‌ها، مربعه^۸ و مجلسی^۹، فضاهای خدماتی تسهیلاتی مانند حمام و آشپزخانه و فضاهای اقتصادی تولیدی مانند انبار نگهداری غلات و فضاهای نگهداری دام‌ها تقسیم کرد (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۳۳۸-۳۴۰-۳۴۱).

۲-۳. عناصر گونه‌شناسی بافت و معماری بومی

محله ماشه

ساختار شبکه معابر و دسترسی محله ماشه قدیم به صورت ارگانیک شکل گرفته و ارتباطش را با توجه به معیشت بومیان با دریا شکل گرفته بود. وجود میدان‌گاه‌ها در شبکه معابر علاوه بر ایجاد گشودگی در بافت و کمک به کوران هوا، دارای نقش مهم اجتماعی بودند. با توجه به اقلیم و معیشت بومیان نحوی اشغال بنا و توده‌گذاری، قطعه‌ها تابع الگوی حیاط مرکزی نیمه‌درون‌گرا بوده‌اند.



جدول ۳. عناصر گونه‌شناسی بافت محله ماشه با بهره‌گیری از عناصر گونه‌شناسی موراتوری در مقیاس بافت (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	عناصر گونه‌شناسی بافت (موراتوری)	ویژگی‌ها / شاخص‌های محله ماشه
۱	گونه‌های ساختمانی	ساختار- جهت‌گیری- تراکم- حریم از دریا- سایه و کوران
۲	بافت قطعات	کشیدگی بافت- شبکه معابر (نامنظم و ارگانیک)
۳	واحدهای همسایگی	توجه به واحدها و جداره‌های همسایگی همچون رنگ و نوع مصالح- ارتفاع ابنیه و هندسه- دسته‌بندی پلان- طبقات- استفاده از حیاط و فضای باز رعایت حریم ساخت
۴	تیپ یا گونه بافت	جهت توده‌گذاری- الگوهای رایج توده‌گذاری (جدول ۴ و تصویر ۷ و ۸)- نسبت توده به فضا (هر بلوک مسکونی حدود ۲۵ درصد توده و یا کمتر بوده است)

۴. روش شناسی تحقیق

۴-۱. روش تحقیق

روش این پژوهش، کیفی می‌باشد که از دو مورد توصیفی-تحلیلی و استدلال منطقی و موردپژوهی بهره گرفته شده و اطلاعات مورد نیاز و پایه جمع‌آوری گردید. در ابتدا جمع‌آوری منابع، مطالعه اسناد و کتب، سپس بررسی عکس هوایی بافت تاریخی از بین رفته محله ماشه که مربوط به دوره پهلوی می‌باشد؛ مورد تحلیل قرار گرفت و در نهایت ارائه نتایج کلی از یافته‌ها و راهکارها از معماری بافت این محله، جهت شناخت معیشت و دانش معماری بومی محله ماشه جزیره کیش دارد.

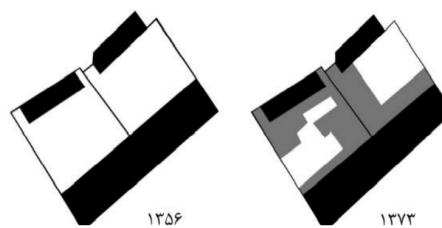
۴-۲. محدوده و قلمروی تحقیق

جزیره کیش در میان جزایر ایرانی خلیج فارس، مهم‌ترین و پربافت‌ترین کانون گردشگری ایران است و تعداد اندکی از بناهای با ارزش معماری، در بافت‌های بومی و تاریخی آن باقی مانده است. جزیره کیش شامل پنج محله به نام‌های ماشه، سفین، سجم، دیهو و باغو بوده است که اکنون سفین به‌عنوان قدیمی‌ترین و پرجمعیت‌ترین آبادی باقی مانده از گذشته کیش است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، بخش شمال شرقی و شرق جزیره در بافت بومی از بین رفته محله ماشه است و اکنون دو بنای شاخص در آن (مسجد جامع ماشه و مسجد حضرت امیر) باقی مانده است. محدوده دقیق محله ماشه یا ماشیه در فاصله‌ای بین مسجد جامع ماشه (دماغه واقع در شمال شرقی جزیره) تا آنجا که امروز بازار پردیس ساخته شده است؛ قرار داشت. محله ماشه، نام خود را از راس ماشه (دماغه ماشه) گرفته است که آبادی در کنار آن شکل گرفته بود. چون طول دماغه در تمام مدت سال

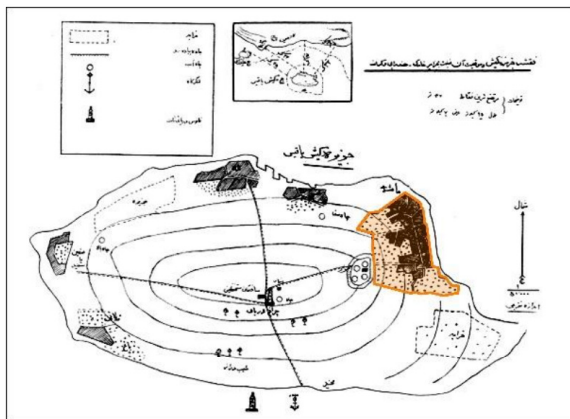
۳-۳. ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر

معماری بومی جزیره کیش

بناهای قدیمی هر یک دارای ویژگی‌های فرهنگی-هنری خاص خود هستند و فضای اجتماعی منطقه متعلق به خود را معرفی می‌کنند (فلامکی ۱۳۸۷، ۸۱). عوامل اجتماعی و فرهنگی همچون عوامل جغرافیایی نقش موثری در شکل‌گیری معماری بومی هر منطقه ایفا می‌کنند. نوع خانواده، موقعیت اجتماعی افراد در جامعه و موقعیت زنان در اجتماع و... از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بر معماری بومی کیش است (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۵۸). معماری بومی کیش در انطباق کامل با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان آن شکل گرفت و تکامل یافت. خانواده‌های کیش از نوع گسترده هستند و معماری واحدهای مسکونی بر همین اساس شکل گرفته است. قابلیت توسعه از جمله ویژگی‌های معماری بومی کیش است (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۳۳۹). در تصویر ۳ امکان ساخت بنا در اطراف حیاط‌های بزرگ خانه‌های بومی در طول سالیان یکی از عوامل موثر فرهنگی و معیشت بر کالبد و ابعاد فضای باز خانه‌های بومی جزیره کیش است.



تصویر ۳. تغییرات ایجاد شده در واحدهای مسکونی محله سفین جدید (مأخذ: مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۶۲)



تصویر ۴: موقعیت قرارگیری محله ماشه در نقشه قدیمی از جزیره کیش در سال ۱۳۲۰ ش. مقیاس نقشه اصلی (۱:۵۰۰۰۰۰) (مأخذ: رزم‌آرا ۱۳۲۰)

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. شبکه معابر و میدان‌گاهها

از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری شبکه معابر، شرایط مکانی و اقلیمی شهر شامل دما، رطوبت، جهت وزش باد، عوارض طبیعی زمین، مصالح ساختمانی بومی و غیره به شمار می‌رود. معابر اصلی جهت دریافت حداکثر باد، به سمت دریا جهت گرفته است؛ و امکان حضور هر چه بیشتر نسیم دریا در بافت را فراهم می‌آورد (رنجبر و دیگران ۱۳۸۹، ۲۶). برای بهره‌مندی از جریان مطلوب هوای دریا که شبانه‌روز از دریا به خشکی و به‌عکس می‌وزد؛ اغلب بناها رو به دریا و دهانه اصلی بادگیرها بدین سوی باز است. جهت‌گیری رو به سوی دریا در مورد کوچه‌ها صادق است. کوچه‌ها به‌عنوان کانال هواکش در این جهت امتداد یافته‌اند. این نوع جهت‌گیری سیمای خاص به شهر بخشیده و ویژگی خاص به بافت شهر داده است. شرایط اقلیمی (گرم و مرطوب) و عوامل فرهنگی و معماری موجب گشته پیکربندی اجزا بافت، نحوه ترکیب، شیوه استقرار دانه‌بندی ساختمان‌ها و شبکه‌بندی معابر دارای ویژگی خاص شوند. تاثیر شرایط اقلیمی در شکل‌گیری بافت شهر به گونه‌ای است که حداکثر تهویه و حداقل جذب انرژی تابشی را داشته باشد. راهروها و کوچه‌های اطراف بنا به مثابه کانال‌های هوا، هوا را در اطراف بنا جریان داده و سبب خنکی و تهویه هوا می‌گردد (ثیل‌خانی ۱۳۷۷، ۳۰). گشودگی معابر و فضایی باز و وسیع در محله از تمهیدات بومیان کیش برای برخورداری با کوران هوا محسوب می‌شود. وجود میدان‌گاه‌های متعدد

یکسان نبود؛ به همین جهت بومیان این دماغه را ماشه نامیده‌اند (ماشه یا ماشیه در زبان بومیان به هر چیزی که ثابت نباشد و یا متحرک باشد؛ گفته می‌شود). تا اواسط دهه پنجاه، محله ماشه بزرگترین و پرجمعیت‌ترین آبادی جزیره کیش بود که ۵۰ درصد جمعیت جزیره را در خود جای داده بود (مختارپور ۱۳۸۵، ۲۶). آب و خاک مناسب، تعیین‌کننده‌ترین عامل در انتخاب این منطقه از نظر بومیان بود. تا این زمان معماری بومی، معماری کاملاً غالب جزیره محسوب می‌شد (مختارپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۰۹). طبق اطلاعات جمع‌آوری شده اکثر کاربری‌های این بافت مسکونی بوده به جز تعداد محدودی که کاربری آنها عمومی بوده است. در این محله، بازاری با حدود سی مغازه وجود داشت و عده‌ای از اهالی این محله در آن به تجارت مشغول بودند. علاوه بر آن، شش مسجد دایره، دو حسینیه، دو گورستان، یک لنگرگاه قایق‌های کوچک، یک مدرسه، پاسگاه ژاندارمری و اداره گمرک مهم‌ترین فضاهای عمومی محله ماشه را تشکیل می‌دادند (مختارپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۴۵) (تصویر ۴ و ۵).

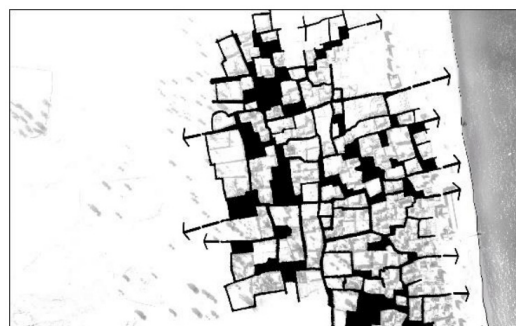


تصویر ۵. موقعیت قرارگیری محله ماشه در عکس هوایی دوره پهلوی (مأخذ: سازمان منطقه آزاد کیش)



در جدول ۴ مشهود است تعداد ۶ مسکن بومی منتخب به لحاظ فرمی مورد تحلیل قرار گرفتند. از فضاهای تهی هر بلوک مسکونی بومی کاملاً مشهود است که با توجه به اقلیم و معیشت، حیاط و فضای باز برای بومیان ماشه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است و نسبت توده به فضا در هر بلوک بومی حدود ۲۵ درصد توده یا کمتر بوده است. البته این هم به لحاظ معیشت و هم یکی از تمهیدات بومیان جهت مقابله با رطوبت هوا بوده است؛ که داشتن حیاط بزرگ باعث ایجاد کوران هوا در داخل هر بلوک مسکونی می‌شده است. الگوهای متداول در ساخت‌وساز بافت بومی نشین محله ماشه و نحوه اشغال بنا در قطعه‌ها تابع الگوی حیاط مرکزی نیمه‌درون‌نگرا بوده‌اند. قابلیت گسترش پلان در شرایط زندگی جمعی و ساخت‌ساز اطراف حیاط و مصالح مصرفی ۱۰ با توجه به اقلیم، فرهنگ و معیشت انجام می‌شده است. با توجه به موارد ذکر شده و جدول ۴، بومیان ماشه بیشتر از فرم‌های توده‌گذاری به صورت تک‌جبهه، دو جبهه (L شکل) و سه جبهه (U شکل) استفاده می‌کرده‌اند. با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته (تصویر شماره ۷ و ۸) چرخش بین ۵ تا ۱۵ درجه برخی از بناهای بومی با توجه به ایجاد حداکثر کوران، تهویه طبیعی و جهت حداقل جذب انرژی خورشیدی صورت گرفته است که نمونه موجود آن در مسجد جامع ماشه و حضرت امیر کاملاً مشهود است. همین امر در بعضی از بناهای مسکونی با زاویه‌ای کمتر یا بیشتر مشهود می‌باشد (جدول ۴).

در سطح محله با فرم‌های نامنظم و در اندازه‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود؛ که علاوه بر ایجاد گشودگی در بافت و کمک به کوران هوا، دارای نقش‌های مهم اجتماعی بودند (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۲۵-۱۵۵). با توجه به تصویر ۶ طبق بررسی‌ها در بافت این محله انتهای کوچه‌ها باز بوده تا حداکثر سطوح هواخور را برای جدارهای معابر داشته باشد. باریک بودن معابر باعث ایجاد سایه‌اندازی و امکان کوران بیشتر را ایجاد می‌کرده است.



تصویر ۶ جهت‌گیری کوچه‌ها به سمت دریا جهت بهره‌مندی از نسیم‌های ساحلی (مأخذ: نگارندگان با اقتباس از عکس هوایی در دوره پهلوی)

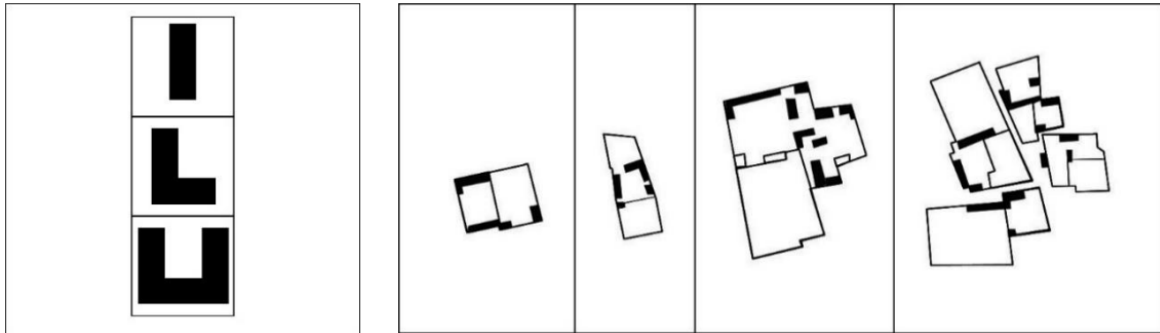
۲-۵. الگوها و نظام توده و فضا در خانه‌های بومی محله ماشه

در ادامه با توجه به عکس هوایی، اکثر بناهای بومی که قابل تحلیل بودند مورد بررسی قرار گرفت و همانطور که

جدول ۴. گونه‌شناسی نظام کالبدی- فضایی (توده و فضا) در خانه‌های بومی محله ماشه (مأخذ: نگارندگان با اقتباس از عکس هوایی در دوره پهلوی)

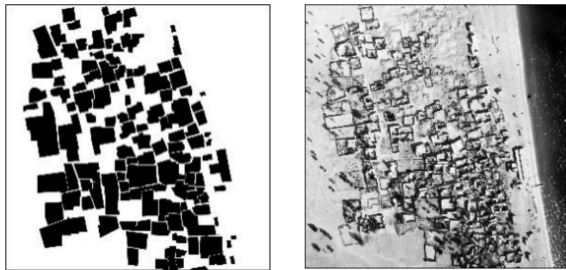
فرم نمادین			نوع گونه	ردیف
سه جبهه	دوجبهه (مقابل یا مجاور)	تک‌جبهه		
			تک حیاط	۱
			ترکیبی و چند حیاط	۲



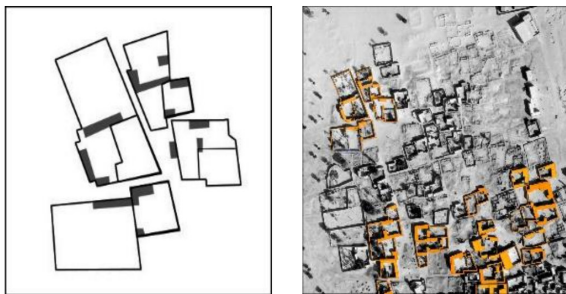


تصویر ۷ (راست): بزرگنمایی از چرخش اقلیمی بناهای بومی، منتخبی از بناهای مسکونی بومی از بین رفته محله ماشه قدیم (مأخذ: نگارندگان) تصویر ۸ (چپ): الگوهای رایج توده‌گذاری بکاررفته در بناهای بومی (مأخذ: نگارندگان با اقتباس از عکس هوایی در دوره پهلوی)

۴۰۰ تا ۱۲۰۰ مترمربع بوده است. بافت‌های بومی که عمدتاً بدون طرح قبلی ایجاد شده‌اند؛ عمدتاً از ساختاری نامنظم و ارگانیک برخوردار بوده‌اند.



تصاویر ۹ و ۱۰. تصویر دانه‌بندی بافت، ساختار نامنظم و ارگانیک بلوک‌های بومی محله ماشه (مأخذ: نگارندگان با اقتباس از عکس هوایی در دوره پهلوی)

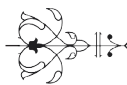


تصاویر ۱۱ و ۱۲. نگاهی کلی به فضای باز بلوک‌های محله ماشه و بزرگنمایی از چند بلوک جهت هندسه داخلی هر قطعه بومی (مأخذ: نگارندگان با اقتباس از عکس هوایی در دوره پهلوی)

۳-۵. دانه‌بندی بافت قطعات بومی

بهترین روش برای مقابله با شرایط سخت آب و هوایی در این منطقه، ایجاد سایه و استفاده از جریان باد است. بنابراین ایجاد سایه و جریان هوا، دو عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده در بافت شهری و فرم بنا جهت آسایش انسان است (قبادیان ۱۳۷۷، ۷۰). از نظر دانه‌بندی ساختمان‌ها، شکل‌گیری معابر و نحوه ترکیب، ادغام عناصر شهری و شیوه استقرار آنها محله‌های بومی کیش دارای ویژگی‌هایی هستند که ناشی از شرایط گرم و مرطوب است (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۵۴). رطوبت زیاد و گرمای شدید، ترکیب کلی و نحوه قرارگیری ساختمان‌ها در کنار هم را تعیین می‌کند. شدت رطوبت و گرمای هوا ایجاد می‌کند ساختمان‌ها در پیرامون در معرض وزش باد باشند. برای این منظور، ساختمان‌ها بین کوچه‌ها و راهروهای باریکی محصور هستند. این راهروها و کوچه‌ها به مثابه کانال‌های هوا هستند؛ و هوا در پیرامون بنا جریان می‌یابد و سبب خنکی و تهویه آن می‌شود (محمدیان خراسانی و حیدری مقدم ۱۳۷۸، ۱۵۴). در تصاویر ۹ و ۱۰، طبق تحلیل‌ها کشیدگی بافت جهت شمالی و جنوبی بوده و ابنیه مسکونی واقع در این بافت به صورت ترکیبی (ریز و درشت‌دانه) بوده است؛ با توجه به ابعاد نقشه‌برداری شده دو مسجد باقی مانده (جامع ماشه و امیر) توسط سازمان منطقه آزاد کیش و تطبیق ابعاد این دو بنای مذهبی با بلوک‌های مسکونی از بین رفته محله ماشه در عکس هوایی متعلق به دوره پهلوی (تصویر ۹)، رنج مساحت هر بلوک بومی که شامل دو یا سه فضای (اندرونی، بیرونی و خدماتی) تقریباً از ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر مربع متغیر می‌باشد که بیشترین مساحت بین





۴-۵. حیاط و فضای باز مساکن بومی

از لحاظ اقلیمی، تعدیل شرایط محیطی و ایجاد امکان تهویه از دیگر کارکردهای حیاط است که در تامین آسایش ساکنان نقش مهمی را ایفا می‌کند. رطوبت هوا از جمله موثرترین عوامل در معماری بومی کیش است. یکی از راه‌های مقابله با رطوبت و شرجی هوا استفاده از حیاط‌های بزرگ است. تا قبل از دهه پنجاه، بومیان ماشه از حیاط‌های نسبتاً بزرگی برخوردار بودند. با افزایش وسعت حیاط، جریان طبیعی هوا به راحتی به داخل هر خانه نفوذ می‌کند و تا حد زیادی رطوبت هوای داخل خانه را کاهش می‌دهد. فراهم کردن امکان رشد تدریجی خانه در طول سالیان یکی دیگر از کارکردهای حیاط به ویژه حیاط‌های بزرگ است که این کارکرد یکی از عوامل تاثیرگذار بر شکل و ابعاد حیاط خانه‌های بومی کیش است. حیاط در مساکن بومی کیش، نقش‌های مهمی ایفا می‌کند که مهمترین آن‌ها تامین فضای باز برای اعضای خانواده و به ویژه برای زنان است (مختاپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۲۶۶-۲۶۴). در تصاویر ۱۱ و ۱۲، جزیره کیش با توجه به فرهنگ و معیشت بومیان خانه‌ها از چند حیاط شامل حوی البیت^{۱۱}، حوی المجلس^{۱۲} و زربیت الصغیره^{۱۳} تشکیل می‌شده است که با توجه به نیازهای هر خانواده بومی ابعاد هر حیاط متفاوت بوده و هر سه حیاط با هم در ارتباط بوده‌اند و در بعضی از حیاط‌ها دسترسی جداگانه‌ای به بیرون داشته‌اند.

۵-۵. سازماندهی، ارتفاع و هندسه بناهای بومی

سازماندهی خطی چه بسا پرکاربردترین و ابتدایی‌ترین نحوه دسته‌بندی فضاها باشد؛ مستلزم سیستم توزیع خطی است: خیابان، راهرو. سازماندهی خطی باید دارای آغاز و پایان باشد (مایس ۱۳۸۳، ۱۴۶). ارتفاع ساختمان تاثیر بسزایی در جذب حرارت خورشیدی دارد؛ به دلیل اینکه با افزایش ارتفاع، سطح بنا نیز اضافه می‌شود و در نتیجه مساحت بیشتری در مقابل خورشید قرار می‌گیرد. از آنجایی که میزان تابش خورشید در تابستان بر سطوح افقی بیشتر از سطوح قائم است؛ لذا بهتر است سطح بام را کاهش و سطح دیوارها را افزایش داد. به علاوه ایجاد سایه برای دیوارها ساده‌تر از بام می‌باشد. به طور کلی جهت کنترل حرارت خورشید، ساختمان‌هایی با فضای داخلی یکسان در مناطق جنوبی باید بلندتر از ساختمان‌های مشابه در مناطق شمالی باشند. پس نسبت

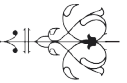
بام به دیوار در مناطق جنوبی اهمیت بیشتری دارد؛ به دلیل اینکه در این نواحی برودت در ساختمان مهمتر است. در یک روش سنتی جهت تهویه بهتر، این است که ارتفاع ساختمان را افزایش داد تا از سرعت بیشتر باد استفاده شود (قبادیان و فیض مهدوی ۱۳۷۲، ۱۲۷-۱۲۹). شکل و اندازه قطعات نقش مهمی را در شکل کلی بلوک و به تبع آن بافت شهری ایفا می‌کنند (ارجمندنیا ۱۳۷۵، ۷۰). شکل و اندازه قطعه پدیده‌ای متأثر از موضوعات فرهنگی و اقتصادی است و مطالعات تجربی نشان‌دهنده روند افزایش مساحت قطعه از آسیا به آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی و قرارگیری بزرگترین قطعات در بسیاری از کشورهای آفریقایی است (ذاکر حقیقی و دیگران ۲۰۰۹؛ به نقل از آکیائولی^{۱۴} و دیگران ۱۹۹۶، ۱۰). فرم توده‌ها در این محله به صورت حجمی و بیشتر با هندسه مکعب مستطیل به صورت خطی دیده می‌شود.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادها

۶-۱. یافته‌ها و مقایسه نتایج با مبانی نظری

با توجه به اطلاعات و تحلیل‌های بدست آمده از محله بومی ماشه قدیم، معماری بومی کیش همانند معماری جنوبی کشور و حاشیه خلیج فارس به شمار می‌رود و این مساله در کنار تنوع معماری بومی و سنت‌های مختلف و منطقه‌ای، شناخت و تحلیل این محله را که سال‌ها پیش از بین رفته است؛ کمی مشکل می‌سازد. جدول ۵ نشان‌دهنده یافته‌های به دست آمده از نتایج پژوهش، متاثر از بررسی و تحلیل بافت تاریخی محله ماشه می‌باشد.





جدول ۵. یافته‌های بدست آمده از تحلیل بافت و بناهای بومی، در بافت از بین رفته محله ماشه جزیره کیش (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	عناصر گونه‌شناسی بافت بومی محله (موراتوری)	ویژگی‌ها / شاخص‌ها
۱	گونه‌های ساختمانی	نامنظم و ارگانیک نیمه‌مترکم و متخلخل جهت‌گیری شمالی- جنوبی در امتداد ساحل دانه‌بندی به‌صورت ریز و درشت دانه
۲	بافت قطعات	جهت‌گیری شرقی- غربی معابر به سمت دریا
۳	واحد‌های همسایگی	استفاده از رنگ مصالح روشن و بوم‌آورد ^{۱۵}
		ارتفاع ابنیه حدود ۴ متر، بیشتر با هندسه مکعب مستطیل به‌صورت خطی
		طبقات به‌صورت همکف و عدم وجود زیرزمین
		دسته‌بندی پلان به‌صورت خطی
۴	تیپ یا گونه بافت	فرم حیاط به‌صورت مربع، مستطیل و یا چندضلعی شکل
		وجود ۳ حیاط مجزا شامل حیاط اندرونی، حیاط بیرونی و حیاط باغچه
		چرخش بین ۵ تا ۱۵ درجه به سمت به محور شمالی الگوی توده‌گذاری شامل تک‌جبهه، دوجبهه (L شکل) و سه‌جبهه (U شکل)، حداقل توده و حداکثر فضا

فرهنگ و اقلیم جزیره کیش، از این رو لازم است هر گونه ساخت‌وسازی که در محله‌ی بومی ماشه صورت می‌گیرد با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و راهکارهای مناسب طراحی طبق جدول ۶ صورت پذیرد. در پژوهش حاضر عناصر موثر بر بافت محله ماشه در ۴ دسته کلی گونه‌های ساختمانی، بافت قطعات، واحد‌های همسایگی و تیپ یا گونه بافت تقسیم گردید. نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد که مناسب‌ترین نوع گونه ساختمانی شرقی-غربی با ارتفاع متوسط بین ۴ تا ۸ متر و با در نظرگیری حداکثر سایه‌اندازی می‌باشد. در بافت قطعات کشیدگی شمالی-جنوبی بافت مطلوب است و کشیدگی شرقی-غربی معابر منجر به هدایت نسیم دریا به سمت منازل مسکونی می‌گردد. واحد‌های همسایگی با در نظر گرفتن حریم توده‌گذاری دو بنای تاریخی مذهبی موجود در محله و با رعایت حریم ساخت از دریا می‌بایست قرار گیرد. هر بلوک بومی به صورت رعایت حداقل توده به نسبت حداکثر فضا در توده‌گذاری ابنیه طراحی گردد.

با مروری بر نتایج موردی بالا در بررسی بافت از بین رفته محله ماشه در منطقه گرم و مرطوب جزیره کیش، چنین استنباط می‌گردد که فرهنگ و معیشت یک مرز و بوم بر روی معماری آن منطقه بسیار تاثیرگذار بوده و در صورت مطالعه دقیق شهرها و روستاهای هر اقلیم خصوصاً بافت‌های بومی می‌توان اطلاعات فراوانی به جهت راهکارهای طراحی و الگوی ساخت بومی مناسب برای هر منطقه یا شهر آموخت. لذا حفظ و فراهم ساختن هویت در معماری، بدون توجه به شرایط اقلیمی، محیطی و فرهنگی بی‌معنی خواهد بود. ساختارهای جدیدی که در کنار بناهای تاریخی و با ارزش بومی احداث می‌شوند با توجه به بافت قدیم و انسجام شهری نباید به ساختار و سبک معماری بومی یا سنتی هر محله یا منطقه خدشه‌ای وارد نماید. لذا از احداث هر گونه ساختار متضاد و ناهمخوان شهری (کاربری، کالبدی، و...) که متناسب با بافت و معماری بومی در محیط‌های تاریخی نمی‌باشد؛ باید جلوگیری به عمل آید.

۲-۶. ارائه راهکارهای مستخرج از تحقیق

با توجه به بررسی بافت و معماری بومی از بین رفته محله ماشه جزیره کیش، به منظور حفظ هویت و سازگاری با الگوهای رایج توده‌گذاری بومی مطابق با





جدول ۶. راهکارهای مناسب طراحی در محله ماشه با توجه به پیشینه پژوهش و نتایج بدست آمده تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه‌شناسی مقیاس بافت	ضابطه کلی	توضیحات	تصویر
۱	گونه‌های ساختمانی	جهت‌گیری ساختمان	رعایت جهت‌گیری کشیدگی شرقی - غربی و چرخش بین ۵ تا ۱۵ درجه به سمت به محور شمالی	
		رعایت ارتفاع‌گذاری (خط آسمان)	ارتفاع بین ۴ تا ۸ متر و به طور میانگین ۶ متر لحاظ گردد و نباید از مقدار حریم آثار تاریخی بیشتر شود.	
		سایه و کوران	ایجاد حداکثری سایه‌اندازی و کوران هوایی در بنا و محله با استفاده از عناصر طبیعی و معمارانه	
۲	بافت قطعات	کشیدگی بافت	کشیدگی شمالی-جنوبی بافت جهت حداکثر بهرمندی از نسیم دریا و چشم‌انداز، حداقل مسافت از دریا به محله و به‌عکس	
		شبکه معابر	اکثر دسترسی‌ها کشیدگی شرقی - غربی به سمت دریا داشته جهت هدایت نسیم دریا توسط معابر و کوچه‌ها به سمت منازل و مراکز محله‌ها	
۳	واحد‌های همسایگی	توجه به واحدها و جداره‌های همسایگی	با توجه به قرارگیری دو بنای تاریخی مذهبی در محله، حریم توده‌گذاری مطابق ضوابط میراث فرهنگی انجام شود.	
		رعایت حریم ساخت	مطابق ضوابط محیط زیست سازمان منطقه آزاد کیش (حریم ساخت در کنار دریا در جزیره کیش، فاصله ۱۲۰ متر از دریا یا خط ساحل تا اولین بنا می‌باشد).	
۴	تیپ یا گونه بافت	تناسب توده و فضا	با توجه به برقراری تناسب توده، فضا و متخلخل بودن بافت مسکونی قدیم، رعایت حداقل توده به حداکثر فضا	
		الگوی توده‌گذاری	ترکیب عناصر معماری با الگوهای رایج در توده‌گذاری بافت قدیم شامل تک جبهه، دو جبهه (L شکل) و سه جبهه (U شکل)	



پی‌نوشت

۱. Mashe.
۲. Rapoport
۳. Moudon
۴. Azimi
۵. Bekkering
۶. Panerai
۷. این باد را در جزیره، کوس می‌گویند و آن بادی است که ابرها را با خود می‌آورد و باران در پی دارد. کوس از سمت شرق می‌وزد و در زمستان، بیشتر و شدیدتر از دیگر فصل‌ها مشاهده می‌شود (مختارپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۱۳۰).
۸. اتاقی مخصوص برای اقامت در تابستان که دارای بازشوه‌های فراوان و مقابل هم بود و از کف حیاط حدود ۷۰ تا ۱۵۰ سانتی متر ارتفاع داشت (مختارپور ۱۳۸۵، ۶۴۹).
۹. اتاق مخصوص مهمان‌ها (مختارپور ۱۳۸۵، ۶۴۸).
۱۰. مهمترین مصالح مصرفی بومیان کیش شامل، سنگ‌های آهکی و مرجانی، صدف و مرجان، ملات کاه گل و ساروج، چوب و شاخ و برگ درختان نخل خشک شده (مختارپور ۱۳۸۵).
۱۱. حیاط خانه، حیاطی که اتاق‌های محل سکونت اهل منزل پیرامون آن ساخته شده‌اند (مختارپور ۱۳۸۵، ۶۳۴).
۱۲. حیاطی که در آن «مجلسی» ساخته شده و یا «مجلسی» به آن دسترسی دارد (مختارپور ۱۳۸۵، ۶۳۴).
۱۳. باغچه یا قطعه زمینی برای کاشت انواع صیفی‌جات و سبزی‌های مورد نیاز خانواده بود که همیشه یک چاه آب در مجاورت آن حفر می‌کردند (مختارپور و عبدالله‌پور ۱۳۸۸، ۲۷۲).
۱۴. Acioly
۱۵. از محل، حاصل خود محل، دست‌دهنده خود محل، مصالح بوم‌آورد یعنی مصالحی که از خود محل باشد (پیرنیا ۱۳۸۷، ۳۵۱).

منابع

۱. ارجمندنیا، اصغر. ۱۳۷۵. الگوی تفکیک زمین و الگوی مصرف مسکن. در مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، جلد اول.
۲. اسپنانی، عباسعلی. ۱۳۷۹. اقلیم معماری جزیره کیش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای طبیعی (گرایش اقلیم‌شناسی). دانشگاه اصفهان.
۳. پورمحمدی، محمدرضا، میرستار صدر موسوی، و سیروس جمالی. ۱۳۹۰. واکاوی مکاتب مورفولوژی شهری. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک ۲ (۵).
۴. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷. سبک شناسی معماری ایرانی. تدوین و گردآوری دکتر غلامحسین معاریان. تهران: سروش دانش.
۵. ذاکر حقیقی، کیانوش، حمید ماجدی، و فرح حبیب. ۱۳۸۹. تدوین شاخصه‌های موثر بر گونه‌شناسی بافت شهری. هویت شهر (۷).
۶. رنجبر، احسان، محمدرضا پورجعفر، و کیوان خلیجی. ۱۳۸۹. خلاقیت‌های طراحی اقلیمی متناسب با جریان باد در بافت قدیم بوشهر. باغ نظر (۱۳).
۷. رزم آرا، سرتیپ علی. ۱۳۲۰. جغرافیای نظامی ایران (جزایر ایران در خلیج فارس). تهران: دانشگاه تهران.
۸. روشنایی، روشنگر. ۱۳۹۱. خلاصه مباحث مبانی نظری معماری، جزوه درسی. انتشارات دانشگاه علم و فرهنگ ایران.
۹. سلطانی، مهرداد، امیر منصوری، و احمدعلی فرزین. ۱۳۹۱. تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. باغ نظر (۲۱).
۱۰. سعیدی، عباس. ۱۳۸۱. برخی جنبه‌های ویژه و بومی نظام سکونتگاهی جزیره کیش. مسکن و محیط روستا (۹۷).
۱۱. فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۷. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. قبادیان، وحید. ۱۳۷۷. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. قبادیان، وحید، و محمد فیض مهدوی. ۱۳۷۲. طراحی اقلیمی اصول نظری و اجرایی کاربرد انرژی در ساختمان. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. کبیری، احمد، و عادل فرهنگی. ۱۳۷۲. مرمت بناهای تاریخی جزیره کیش و محوطه باستانی شهر حریره. اثر (۲۲-۲۳).
۱۵. کسمایی، مرتضی. ۱۳۸۲. اقلیم و معماری. اصفهان: خاک.
۱۶. لنگ، جان. ۱۳۸۳. آفرینش نظریه معماری. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

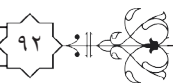


۱۷. مایس، پیرفون. ۱۳۸۳. نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان همراه با تحلیل و قیاس مبانی معماری ایران. ترجمه و تعلیق سیمون آیوازیان. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. محمدیان خراسانی، روشنک، و رامین حیدری مقدم. ۱۳۷۸. طراحی الگوی مسکن کنگ و طراحی و ارائه ضوابط طراحی کنگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، مجتمع هنر، دانشکده معماری و شهرسازی.
۱۹. محملی ایبانه، حمیدرضا. ۱۳۹۰. مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا. آرمان شهر (۷).
۲۰. مختارپور، رجبعلی. ۱۳۸۵. دو سال با بومیان جزیره کیش. تهران: ورجاوند.
۲۱. _____، و جمال عبدالله‌پور. ۱۳۸۸. دانش بومی در معماری سنتی کیش. کیش: سازمان منطقه آزاد کیش.
۲۲. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
۲۳. _____، و محمدعلی طبرسا. ۱۳۹۲. گونه و گونه‌شناسی معماری. معماری و شهرسازی ایران (۶).
۲۴. ثیل‌خانی، اکرم. ۱۳۷۷. طرح و مرمت و احیای مسجد جامع ماشه جزیره کیش. پروژه نهایی مرمت و احیای بناهای تاریخی. مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی کشور، سازمان منطقه آزاد کیش.

References

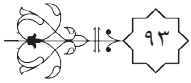
1. Acioly, C., and F. Davidson. 1996. Density in Urban Development. Building Issues 8 (3). Lund Centre for Habitat Studies, Lund University, 10.
2. Arjamandnia, Asghar. 1996. Land Separation Pattern and Housing Consumption Pattern. In Proceedings of Third Seminar on Housing Development Policy in Iran, Ministry of Housing and Urban Development, First Volume.
3. Azimi, Nooreddin. 2005. Restructuring Urban Morphology: A study of Rasht, Iran. Researches in Geography (53).
4. Bekkering, H.C. 2006. Morphological Analysis of the Contemporary Urban Territory: Is It Still a Relevant Approach? In Hoeven F van der & Rosemann HJ (Eds.), Urban Transformations and Sustainability, IOS Press, Delft, pp. 96-113.
5. Eilkhani, Akram. 1998. Design and Restoration of Kish Island's Central Mosque of Mashe. Final Project of Restoration of Monuments. National Heritage Higher Education Center, Kish Free Zone Organization.
6. Espenani, Abbasali. 2000. Kish Island Architecture Ambience. Thesis of Master in Natural Geography (Climatology). University of Isfahan.
7. Falamaki, Mohamad Mansour. 2008. Revitalization of Historical Monuments and Cities. Tehran: University of Tehran.
8. Ghobadian, Vahid. 1998. Climatic Analysis of the Traditional Iranian Buildings. Tehran: University of Tehran.
9. Ghobadian, Vahid, and Mohamad Feizmahdavi. 1993. Climatic Design: Energy-Efficient Building Principles and Practices. Tehran: University of Tehran.
10. Kabiri, Ahmad, and Adel Farhangi. 1993. Restoration of the Monuments of Kish Island and the Ancient Site of Harira. Asar (22-23).
11. Kasmaee, Morteza. 2003. Climate and Architecture. Isfahan: Khak Publishing.
12. Lang, Jon. 2004. Creating Architecture Theory. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran.
13. Mahmeli Abyaneh, Hamidreza. 2012. Comparative Study on Schools of Urban Morphology Studies in order to Complete Them, Based on Analytical System of Political Economy School. Armanshahr (7).
14. Meiss, Pierre Von. 1989. De La Forme Au Lieu = Elements of Architecture: From to Place. Translated by Simon Ayvazyan. Tehran: University of Tehran.
15. Memarian, Gholam Hossein, and Mohamadali Tabarsa. 2013. Types and Typologies of Architecture. Iran's Architecture and Urban Development (6).
16. Memarian, Gholamhossein. 2005. A Survey on the Theoretical Foundations of Architecture. Tehran: Soroush-e Danesh.
17. Mohamadian Khorasani, Roshanak, and Ramin Heidari Moghadam. 1999. Design of Kang Housing Pattern





- and Plan and Provision of Kang Design Terms. Thesis of Master in Architecture. Art Complex, College of Architecture and Urban Development.
18. Mokhtarpour, Rajabali. 2006. Two years with the Natives of Kish Island. Tehran: Varjavand.
19. _____, and Jamal Abdollahpour. 2009. The Indigenous Knowledge in the Traditional Architecture. Kish: Kish Free Zone Organization.
20. Moudon, Anne Vernez. 1994. Getting to Know the Built Landscape: Typomorphology In Ordering Space: Types in Architecture and Design”, Karen A. Franck and Lynda H. Schneekloth (eds.) New York , p.308.
21. _____. 1997. Urban Morphology as an Emerging Interdisciplinary Field. Urban Morphology (10).
22. _____. 1998. The Changing Morphology of Suburban Neighborhoods. In Attilio Petruccioli (ed.) Typological Process and Design Theory, Agha Khan program for Islamic Architecture, Conference proceedings, Cambridge, Massachusetts.
23. Panerai, Ph., J. Castex, and J. Ch. Depaule. 2004. Urban Forms: The Death and Life of the Urban Block. UK: Architectural Press.
24. Pirnia, Mohammad. 2011. Iranian Architecture. Gathered by Gholamhossein Memarian. Tehran: Soroush-e Danesh
25. Pourmohammadi Mohammad Reza, Mir sattar Sadr Mousavi, and Siroos Jamalli. 2011. A Review on Urban Morphology Schools. Arid Regions Geographic Studies 2 (5).
26. Ranjbar, Ehsan, Mohammadreza Pourjafar, and Keivan Khaliji. 2010. Climatic Design Innovations Modified to the Flow of Wind in the Ancient Texture of Bushehr. Bagh-e Nazar (13).
27. Rapoport, Amos. 1990. Vernacular Architecture, in Turan m., (eds.); Current Challenges in the Environmental Social Sciences, Avebury, Aldershot, England, 96.
28. Razmara, Ali. 1941. Military Geography of Iran (Iranian islands in the Persian Gulf). Tehran: University of Tehran.
29. Roshanaei, Roshanak. 2012. Summary of Theoretical Foundations of Architecture. Textbook, Iran University of Science and Culture Publications.
30. Saeedi, Abbas. 2002. Some Special and Indigenous Aspects of the Kish Island Neighborhood Structure. Housing and Rural Environment (97).
31. Soltani, Mehrdad, Amir Mansouri, and Ahmadali Farzin. 2012. Matching Role Models and Concepts Based on Experience in Architectural Space. Bagh-e Nazar (21).
32. Zaker Haghihi, Kianoosh, Hamid Majedi, and Farah Habib. 2010. Organizing of Characteristics Affecting Urban Texture Typology. HoviateShahr (7).





Journal of Research in Islamic Architecture / No.33 / Winter1400

Evaluation of vernacular architecture typology to achieve residential design principles in Mashe neighborhood, Kish Island

Mahdi Mohammadzadeh *

Master of Architecture, Department of Art & Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, mashhad, Iran (Corresponding author).

Hero Farkisch **

Assistant Professor of Architecture, Department of Art & Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, mashhad, Iran.

Received: 9/1/2021

Accepted: 28/12/2019

Abstract

Due to the construction process and the emergence of new technologies in the construction industry, the use of vernacular architectural patterns is less common in today's buildings. However, in order to maintain identity and preserve the vernacular architecture, it is important to know the features of the native architecture. Rehabilitation of indigenous buildings of an area requires recognizing, analyzing and presenting the appropriate model of an area and the texture of its neighborhoods and building types. The major objective of this study is to understand the vernacular architectural structures to recognize the typology of buildings, the pattern of local and traditional texture of the Masheh neighborhood of Kish Island in order to revive the local identity of the region. This research will first have a descriptive-analytical view, a review of key issues related to indigenous architecture, urban context and typology in architecture. Then, while analyzing and explaining, the research method of the case study has been used to identify and evaluate the Masheh neighborhood. Finally, according to the obtained findings and results from the physical analysis and typological studies of vernacular houses, the most effective indigenous factors of this neighborhood were identified. Effective physical factors included the network of passages, the system of mass and space, granulation and segmentation, spatial organization, height, and geometry. The results of the research based on typology examined the texture of the Masheh neighborhood in four general categories that can be considered by architects and urban planners in constructions based on the indigenous identity of the region.

Keywords: typology, vernacular architecture, design principles, Mashe neighborhood, Kish Island

* mahdimz.architect@gmail.com

** hero.farkisch64@gmail.com